نگارهٔ «گفتگویی با دانته دربارهٔ کمدی الهی»: استعارهٔ کلاژ در بازنمود ادبیات جهان

محمد جواد حجّاری *

استادیار زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه

چکیده

آنچه با نام «ادبیات جهان» از سوی نویسندگان و کارشناسان ادبی به خوانندگان نشان داده می‌شود، بیش از آنکه دربرداندهٔ نمونه‌های برگزیدهٔ ادبی از کشورهای گوناگون به گونه‌ای برابر و بدون مرزبندی‌های فرهنگی و سیاسی باشد، گلچینی است از نویسندگان و نوشته های ادبی کشورهایی که بنا بر تلاش های ملی و جهانی خود توانسته‌اند به جهانیان شناسانده شوند. این رویکرد گزینشی در شناسایی «ادبیات جهان» که به ویژه از سمت باختر آغاز گردیده و توان فراوانی در پاسداشت برتری خود نشان داده، در بنیان، همانند بکارگیری شگرد کُلاژ در شیوهٔ نگارگری «پاره‌گفتگو»[1] است، به گونه‌ای که آفرینش و گسترش جستار «ادبیات جهان» و پرورش آن در دوران تاریخی و ادبی گوناگون را می توان همچون آفرینش یک نگارهٔ کلاژ دانست و این هنر را در چارچوب ادبیات هچون یک استعاره از ادبیات جهان پنداشت. این پژوهش، با رویکردی میان‌رشته‌ای، با واکاوی ساختار و درون‌مایهٔ ادبی نگارهٔ «گفتگویی با دانته دربارهٔ *کمدی الهی*» از سه هنرمند چینی-تایوانی، در سبک کلاژ، تلاش دارد در سایهٔ انگاره‌های «کارناوال»[2] از باختین[3] و «دورخوانی»[4] از فرانکو مورتی،[5] که از انگاره‌های پرکاربرد در روشن‌سازی جستار «ادبیات جهان» هستند، به کالبدشکافی چرایی گزینش چهره‌های ادبی آن

* نویسنده مسؤل مقال: hajjari.mohammad@razi.ac.ir

فصلنامهٔ علمی- پژوهشی پژوهش‌های ادبیات تطبیقی
دورهٔ ۱۰، شمارهٔ ۳ پاییز ۱۴۰۱، صص ۸۱-۱۱۱

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2023-12-03]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1401.10.3.4.7]

بپردازد و به گونه‌ای کارکرد استادان، ناشران، مترجمان و کارشناسان ادبی در برپاسازی «ادبیات جهان» را بررسی کند.

واژگان کلیدی: ادبیات جهان، پاره‌گفتگو، دورخوانی، کارناوال، کلاژ، نگارگری

۱. مقدّمه

از زمان نوآوری واژهٔ «ادبیات جهان»[۶] و بازنمود آن به دست گوته در سال ۱۸۲۷ میلادی و جهانی‌شدن آن با چاپ *گفتاری با گوته در سال‌های پایان زندگی*[۷] از یوهان اِکِرمان[۸] در سال ۱۸۳۶ (Damrosch, ۲۰۰۳: ۱)، تا کنون گزاره‌های فراوانی در شناسایی آن به دست انبوهی از کارشناسان و استادان ادب در پهنهٔ جهان نگاشته شده است. در این راستا، اگرچه گوته در برخی نوشته‌ها به شناسایی فراگیری از ادبیات جهان پرداخته است، این برهه از ادبیات نه تنها ریشه‌ای کهن در تمدن‌ها و ادبیات باستانی خاورمیانه، سانسکریت، یهود، یونان و روم باستان، و فرمانروایی های آسیای خاوری دارد (Cohen, ۲۰۱۷: ۲۸)، روزانه نیز بازنمود آن در بستر «علوم انسانی دیجیتال»[۹] دیده می شود. آنچنان که گوته خود به اِکِرمان می‌گوید: «سروده [یا ادبیات به ریخت فراگیر آن] بازگذاشتهٔ جهانی بشر بوده و همه جا و همه گاه در نویسندگان بسیاری بروز می‌کند». (Damrosch, ۲۰۰۳: ۱) از همین رو، گوته علاقمندی خود را به ادبیات دیگر کشورها و اندیشه در آنها نشان داده و همگان را بدان «پند» می‌دهد چرا که «ادبیات بومی» اکنون «جستاری ناآشنا بوده؛ دوران ادبیات جهان اکنون آغاز گشته و همگان می‌بایست در شتاب‌دهی به رشد آن کوشا باشند.»[۱۰] (همان)

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2023-12-03]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1401.10.3.4.7]

رشد زبان‌های بومی در اروپا، و به دنبال آن رشد ادبیات بومی، که دانته در سدهٔ سیزدهم میلادی از «پاسداران» آن بود، پس از پنج سده به دست گوته از درگاه «ادبیات جهان» نمودی نو یافت، اگرچه چارچوب آن بیشتر درون-اروپایی بوده است (Cohen, ۲۰۱۷: ٤٤٣) شاید در همین راستا است که پس از گوته، نویسندگان و کارشناسان ادبی روی خوش‌تری به نوشتن گزارش‌های گوناگون دربارهٔ ادبیات جهان نشان داده‌اند، تا آنجا که مارکس و انگلس در *مانیفست حزب کمونیست*[۱۱] بر این باور بودند که «فرآورده‌های پنداری نویسندگان در هر کشور دارایی همگانی شده؛ یکسوگرایی و کوته‌بینی بومی بیش از پیش ناشدنی خواهند شد و از دل ادبیات بومی کشورهای گوناگون، ادبیات جهان بر خواهد خواست.» (Marx and Engels, ۱۹۷۰: ۳٦-۳۷) چنین خیزش و گسترش ادبیات جهان در چارچوبی فراتر از ادبیات اقلیمی و قاره‌ای و زبان‌های هموند بوده است چرا که با رشد دهکدهٔ جهانی، ادبیات هر کشور نیز از مرزهای بومی گذر کرده است.

۱-۱. بیان مساله

بر پایهٔ انگارهٔ «نگرانی از کنش‌پذیری»[۱۲] از هارولد بلوم[۱۳] که بر پایهٔ آن ادبیات دربردارندهٔ «پیوندهای درون-ادبی»[۱٤] میان نویسندگان است و ایشان در هر دوره همواره نگران کنش‌پذیری خود از پیشینیان فرهنگ و هنر هستند، نپذیرفتن این کنش‌پذیری از سوی نویسندگان در پهنهٔ جهانی بسیار دشوار است. «تاریخ» ادبیات جدا از «کنش» ادبی نیست و در این میان نویسندگان و سرایندگان «ناتوان‌تر» به «آرمانی‌سازی» بزرگان پیشین و کارهای ایشان پرداخته و نویسندگان و سرایندگان برتر به «درخورسازی» شاهکارهای این بزرگان در بکارگیری در نوشته‌های

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2023-12-03]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1401.10.3.4.7]

خویش می‌پردازند. (Bloom, ۱۹۹۷: ٥) ناگفته نماند که بزرگان ادب نیز، چنانچه از پیشینیان خود هیچ نیاموخته باشند، «دستخوش کنش‌های هر چند برون–ادبی» بوده‌اند (همان، ۷)، کنش‌هایی که شاید به نوبهٔ خود به خاستگاهی ادبی در تاریخ ادبیات می رسند. به باور توماس الیوت[۱۵] در «آیین و هوش فردی»،[۱٦] «دریافت درست از هیچ سراینده و هنرمندی به تنهایی فراهم نیست، چرا که پیام وی و ستایش از آن به راستی ستایش پیوند وی با سرایندگان و هنرمندان پیشین است. نمی توان به تنهایی او را ارزیابی نمود و باید وی را از دید هم‌سنجی در میان پیشینیان ادب و هنر جای داد.» (Eliot, ۱۹٥۷: ٤۹) در این راستا، شاید بتوان گفت که هر نوشتهٔ ادبی به گونه‌ای کلاژی هر چند یک دست از کارهای ادبی پیشین است و می‌تواند بسته به نوآوری خود نشانگر ردپای ادبیات بومی یا جهانی پیشین باشد. بدین سان، برون‌رفت از کوته‌بینی بومی و نژادی و گرایش به رویکردی جهانی در ادبیات همانند گرایش نگارگران سدهٔ بیستم میلادی در بکارگیری کلاژ است، هنری که به شیوهٔ چسبانه‌کاری می‌تواند جستارهای گوناگون را در بستری یکسان که زمینه‌ساز همکاری گروهی در میان آنهاست به ریخت پیوندی درهم تنیده درآورد.

کلاژ به دنبال نوآوری کاغذ در چین پیرامون سال ۲۰۰ پیش از میلاد پدید آمد (Leland and Williams, ۲۰۰۰: ۷)، و در مسیر گسترش خود به ریخت‌های گوناگون در موزائیک‌های روم باستان، سروده‌های خوشنویسی شدهٔ ژاپنی، نوشته‌های نگارگری‌شدهٔ کهن با روکش چرمی در ادب پارسی، نگارگری‌های جوزپه آرچیمبولدو،[۱۷] تاریخچهٔ *جنگل گزاره‌ها*[۱۸] در ادبیات لهستان و لیتوانی، و *نغمه‌های مالدورور*[۱۹] از کومته دو لوتریامون[۲۰] خود را نمایان ساخت

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2023-12-03]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1401.10.3.4.7]

(Cran, ۲۰۱٤: ۱۱–۱۲) کلاژ در بالاترین جایگاه درخشش خود در سدهٔ بیستم به دست هنرمندان کوبیسم[۲۱] به ویژه پیکاسو،[۲۲] ژُرژ براک[۲۳] و یووان گریس،[۲٤] بخشی جدانشدنی از هنر نو (مدرنیته) شد (Greenberg, ۲۰۲۱; Drag, ۲۰۲۰: ۱۰)، و در دستان هنرمندان فراواقع‌گرا،[۲۵] دادا،[۲٦] و آینده‌گر[۲۷] «نمو و گسترش» یافت. (Kostelanetz, ۲۰۰۱: ٤۳) به هر گونه، واژهٔ «کلاژ» نخستین بار به دست گیوم آپولینر[۲۸] در پیوند با یکی از نمایشنامه‌های او به نام *پستان‌های تیرزیاس*[۲۹] استفاده شد. (Cran, ۲۰۱٤: ۲۱) «کلاژ» از کارواژهٔ فرانسوی *coller* که برداشتی چون «چسباندن» یا «پیوستن» دارد گرفته شده است، اگرچه در فرانسوی گفتاری، دریافتی چون «پیوند ناروا» داشته و در کلاژِ کوبیسم اشاره به «نزدیکی ناروای واژه و نگاره» دارد. (Frascina, ۲۰۱٤: ۳۸۲) همچنین آپولینر اگرچه خود هنرمندی فراواقعگرا بود و واژهٔ «کلاژ» را نخستین بار در نمایشنامهٔ یادشده در سال ۱۹۱۷ به کار برد (Hargrove, ۱۹۸۸)، این هنرمند فراوقعگرای آلمانی به نام ماکس ارِنست[۳۰] بود که نمودی فراگیر از کلاژ پیش نهاد: «پیروزی با شکوه ناخردمندی، پیوستن دو راستینگی ناسازگار در نهان، در بستری که آشکارا درخور آنها نیست.» (Cureton, ۲۰۱٦: ۱۰٦) چنین ناهمگنی در بخش‌های همسایه یا «زیبایی شناسی کلاژ»[۳۱] اشاره به «همزیستی چندین سامان ناهمگون در یک کار هنری و نبود سامانی پایشی و یکتا» دارد (Hopkins, ۱۹۹۷: ۷) از همین رو، نبود «پیوندهای ساختاری آشکار» در میان «بخش‌های ناهمگون» از ویژگی بنیادین کلاژ است (Antin, ۲۰۱۱: ۱۰٦)، و به «تنش در میان بخش‌ها» در «ساختار، شیوه و دریافت» کلاژ می‌انجامد. (Nycz, ۲۰۰۰: ۲۵۷; Śniecikowska, ۲۰۰۹: ۱۱۵) در این راستا، کلاژ گونه‌ای «آزمایش و پیوند پدیده‌های جدا از

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2023-12-03]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1401.10.3.4.7]

هم به ریخت مردم‌سالارانه، پیمان‌نامه‌ای و نادانسته» است. (Cran, ۲۰۱٤: ٤) کلاژ از آن روی مردم‌سالار است که به یک اندازه به بخش‌های گوناگون خود یارای خودنمایی می‌دهد؛ و از آن روی پیمان‌نامه‌ای است که پیمانی گذرا در میان این بخش‌ها می‌آفریند؛ و از آن روی نادانسته است که بی‌خبر از همه جا و تنها بر پایهٔ گزینشی پیشامدی این بخش‌ها را در همسایگی یکدیگر می‌افکند. در این میان، نگاره هایی که با گزارش همراه هستند، نوشته هایی که دارای نگاره های کوچک و بزرگ هستند، روزنامه‌ها، گاهنامه ها، خوشنویسی‌هایی که با نگاره همراه هستند، و داستان های نگارگرانه، همگی از گونه های کلاژ به شمار می‌آیند، چرا که کلاژ را می توان در «برش و چسباندن/جایگذاری» (Drag, ۲۰۲۰: ۱۸)، یا «گزینش» و «آرایش» بخش های گوناگون به کار گرفت. (Banash, ۲۰۱۱: ۱٤)

کلاژ به ویژه خود را در دوران پسانوگرایی و در نمود «از هم گسیختگی» و آشوب نشانه ها در واکنش به جهانی یافته است که بخش‌های آن بیش از پیش با پادرمیانی دنیای رو به رشد رسانه‌ای با هم پیوند یافته اند (Boxall, ۲۰۱۳: ۱۷)، گویی انبوهی از پیکسل‌های آبی، سبز و قرمز در نمایشگرهای دیجیتال در کنار هم نشسته و نگاره هایی را تابشگرند که پیونددهندهٔ بخش‌هایی ناسازگار هستند. از همین رو، کلاژ در «نمود برخورد سامان های گوناگون و همزیستی پیچیدهٔ آنها» ابزاری بس کابردی است. (Drag, ۲۰۲۰: ۳) کلاژ و ساختار «چندآوایی»[۳۲] آن در این راستا گونه ای «هنر آشفتگی»[۳۳] یا «کنشگری فرهنگی»[۳٤] می‌باشند که با به کارگیری گفتگو در میان بخش های درگیر در گذرگاه «دگرگونی‌های اجتماعی یا آگاهی مردمی گسترده» در دل « آشفتگی‌های هنری، سیاسی–اجتماعی و فن آورانهٔ» یک کشور یا

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2023-12-03]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1401.10.3.4.7]

جهان گام برمی دارد. (Jaffe, ۲۰۱۱: ۳) «هنر آشفتگی» بنیادی «گفتگویی»[۳۵] داشته و بخش های ناسازگار درگیر در خود را در همسایگی یکدیگر نگه می دارد، پدیده‌ای که همانند ساختار چندآوایی کلاژ و نگهداری بخش های گوناگون آن در پیوندی ناسازگار اما پرمغز با یکدیگر است.

آنچه در این راستا کلاژ را همچون استعاره ای از ادبیات جهان بازنمایی می کند، توانایی آن در برپایی پیوندی ناشدنی در میان بخش هایی ناسازگار و پر کردن درز میان آنهاست. استعارهٔ کلاژ را می توان از این روی کارگزاری همبستگی بخش در برپایی گونه ای همگرایی در میان ادبیات کشورها دانست و بدین گونه درون مایه ها و پیوندهای ساختاری یکسان یا همسو را در ادبیات جهان دریافت.

۱-۲. فرضیه و هدف پژوهش

بیشتر گزاره‌های کنونی در شناسایی جستار «ادبیات جهان» ساخته و پرداختهٔ اندیشمندان ادبی در اروپا و آمریکا هستند و این در رویارویی آشکار با تاریخ ادبیات جهان و زایش و رشد آن در دنیای باستان است. ادبیات جهان در سرشت خود بسیار درهم تنیده‌تر از آن چیزی است که تنها از دریچهٔ سنجش ادبی اروپا و آمریکا بگذرد و ادبیات دیگر کشورها را ارزشی نهادین ننهد. در این راستا، ادبیات جهان باید به گونه‌ای بازنمود گردد تا جستاری پویا و کنش‌پذیر نشان داده شده و از مرزبندی‌های سیاسی-اجتماعی رهایی یابد. ادبیات جهان دربردارندهٔ ویژگی همسنجی در میان ادبیات کشورها بوده و بدین گونه در دورنمای خود دارای الگویی بس فراگیر در آفرینش پیوندهای گوناگون میان آنهاست تا کارایی دوسویه یا چندسویهٔ آنها را برای یکدیگر نشان داده و ادبیات برخی از کشورها یا نویسندگان و سرایندگان را به برخی دیگر برتری ندهد.

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2023-12-03]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1401.10.3.4.7]

الگویی برای ادبیات جهان که دارای پیوندهای شبکه‌وار در بین بخش‌های درگیر (ادبیات کشورهای گوناگون) باشد در نگاره‌های کلاژ نمود آشکاری دارد. آنچه از کلاژ یک پدیدهٔ هنری می‌سازد آفرینش یکپارچگی در میان بخش‌هایی ناهمگن است که بدون هیچ گونه برتری بر یکدیگر همچون مهمانان یک جشنواره با هم یک‌رنگ شده‌اند. این یک رنگی یا هم رنگی نمادین بیننده را به سویی رهنمود است که دریافت فراگیری از نگاره، با آفرینش شبکه‌ای از پیوندها در میان بخش های جدا از هم، داشته باشد. به دیگر سخن، پیوندهای ادبی در میان ادبیات کشورها در جستار «ادبیات جهان» آنها را همسان با همسایگی بخش‌هایی ناسازگار اما همزیست در نگارگری کلاژ کرده و کلاژ را چون استعاره‌ای از ادبیات جهان و بازنمود دیداری آن می شناساند. بدین‌گونه، در کم‌رنگ نمودن یا از میان برداشتن کج‌سلیقگی‌های کنونی در پس‌زنی ادبیات برخی کشورها در شناسایی ادبیات جهان، الگوی کلاژ چون بستری برای گفتگو در میان ادبیات کشورها بوده و درنگی پیوندساز در میان ادبیات کشورهای در حاشیه و ادبیات کلاسیک و شناخته‌شده به شمار می رود.

دریافت ادبیات جهان از دریچهٔ همسنجی با کلاژ به مردم‌سالارانه شدن آن کمک کرده، آن را از چارچوب های پالایش‌شدهٔ اروپایی و آمریکایی برون رانده و ادبیات کشورهای گوناگون را شبکه وار در آیینه یکدیگر در میدان دید خوانندگان می نهد. آشفتگی کنونی در شناسایی ادبیات جهان می تواند بدین سان و با دریافت فلسفهٔ کلاژ سامانی ساختاری پیدا کند. این ویژگی کلاژ در سایهٔ سبک نگارگری «پاره‌گفتگو» هستی می یابد که خود نمود همگرایی در میان بخش‌هایی پراکنده و ناهمگون بوده و گفتمانی شبکه ای در پیوند با «نظریهٔ شبکه»[۳۶] و انگاره‌های «دورخوانی» از مورتی و «کارناوال» از باختین جاری می سازد. بررسی ادبیات جهان از این دریچه بیش از گذشته ادبیات کشورهای گوناگون را به

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2023-12-03]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1401.10.3.4.7]

خوانندگان شناسانیده و برتری جویی‌های فرهنگی و نژادی در ادبیات را کاهش می دهد. در همین راستا، نگارهٔ «گفتگویی با دانته دربارهٔ *کمدی الهی*»، که نمودی پرمغز از سبک پاره‌گفتگو و گونه‌ای از کلاژ به شمار می‌رود، در بازنمود ادبیات جهان به شیوهٔ گفته شده به خودی خود یک نمونهٔ بی کم و کاست و بی همتا است. بررسی ادبی این نگاره در سایهٔ انگاره‌های گفته شده در برخورد نخست برجسته‌کنندهٔ آیین و فرهنگ یک کشور (چین) در برابر دیگر آیین ها و فرهنگ ها به ویژه اروپا بوده و گواه رفتار گزینشی کارشناسان ادبی در شناسایی ادبیات جهان است. به همان سان، نگاهی ژرف به ساختار شبکه ای در میان بخش های ادبی این نگاره روشن می کند که برگزیدگان در ادبیات جهان کنونی به دور از سنجه های نژادی و فرهنگی به این جایگاه نرسیده و شناسایی ادبیات جهان در سایهٔ برپایی شبکه‌ای از پیوندها در میان ادبیات کشورهای گوناگون آسان تر و نسبت به فرهنگ و ادبیات همهٔ این کشورها دادگرانه تر است.

۳-۱ پیشینهٔ پژوهش

اگرچه نزدیک به صد سال از نخستین نمونه‌های کلاژ در دوران نوگرایی می‌گذرد، این هنر همچنان زنده است و در هنر و ادبیات همواره بکارگرفته می‌شود. دیوید باناش[۳۷] در *فرهنگ کلاژ* آن را استعاره‌ای زیبا از «آزموده‌های آشکار در زندگی روزمره» می‌داند که برگرفته از ازهم‌گسیختگی، بس‌فرآوری[۳۸] و سرشاری رسانه‌ای در سدهٔ بیست و یکم است. (Banash, ۲۰۱۳: ۱٤) دِراگ[۳۹] بر این باور است که این سده کاربران توانمند بیشتری را در زمینهٔ اینترنت و رسانه های دیجیتال در سنجش با سده بیستم و در پردازش پیوندهای پیچیده در میان نگاره و نوشته دارا می باشد. از همین رو، کلاژ در این سده دارای ویژگی پیشتازانه (آوانگاردی) شده و هنرمندانی که کمابیش در

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2023-12-03]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1401.10.3.4.7]

کارهای خود از کلاژ بهره می جویند - نگارگرانی چون کریستین مارکلی[۴۰] و نویسندگانی چون لانس اولسِن[۴۱] و اِستیو توماسولا[۴۲] و فیلم‌سازانی چون گیورگی پالفی[۴۳] – «هنرمندانی آزمون‌گرا»[۴۴] هستند (Drag, ۲۰۲۰: ۱) توماسولا در این راستا کلاژ را «بنیادی ترین بنیاد سامان بخش به هنر» در دو سدهٔ گذشته می داند که در موسیقی، فیلم و هنرهای دیداری خود را نمایان کرده است. (Tomasula, ۲۰۱۱: ۵) داستان های بلندی که به شیوهٔ کلاژ نوشته می‌شوند نیز در میان بنیادی‌ترین ابزار در «شکستن بخش‌های بزرگتری از جریان زندگی» و جای دادن آنها در چارچوب هنر هستند. (Drag, ۲۰۲۰: ۱) در این راستا، ویژگی‌هایی چون «برگزیده سازی گسترده»[۴۵] از میان فهرستی پرشمار از بخش های نمونه و «ازهم گسیختگی»، «ناهمگنی»،[۴۶] «چندپیمانی»[۴۷] و «همسایگی»[۴۸] در میان آنها در بازنمود یکدیگر در کارهای کلاژ دیده می‌شود. (همان، ۲) در نمود این ویژگی ها، همواره دو رویه در زمینه فلسفهٔ کلاژ برجسته بوده است: ۱) فرآیند گزینش در کلاژ همواره می تواند دگرگون شود؛ ۲) بخش های برگزیده دربردارندهٔ پیامی پنهان هستند که راز گزینش آنها را دارا می باشد. (Banash, ۲۱۰۳: ۳۱-۳۲) از همین روی، توماس بروکلمَن[۴۹] هستی کلاژ را «وابسته به ناسازگاری» می داند و باور دارد که کلاژ «هنر آشفتگی» یا «هنری در آشفتگی همیشگی» است. (همان، ۳۱) شیلدز[۵۰] نیز کلاژ را «آشوب جنبان»[۵۱] می نامد؛ زیرا «پاره‌های یک کلاژ دیوانه وار شیفتهٔ آشفتگی خویشند.» (Shields, ۲۰۱۳: ۱۷۷) پیوند میان کلاژ و آشفتگی در این راستا به ویژه در پنجاه سال گذشته بیشتر بوده و نویسندگانی چون دیوید مارکسون،[۵۲] دیوید شیلدز،[۵۳] لانس اُلسِن،[۵۴] اِستیو توماسولا،[۵۵] گراهام رال[۵۶] و مَگی نِلسون[۵۷] (Drag, ۲۰۲۰: ۲)، و نگارگرانی چون هانا هوش،[۵۸]

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2023-12-03]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1401.10.3.4.7]

کورتِت شویتِرس،[۵۹] رائول هاوسمان،[۶۰] مَن رِی،[۶۱] آیلین اِیگِر،[۶۲] جوزف کورنِل،[۶۳] نانسی اِسپِرو[۶۴] و جان اِستِزکِر[۶۵] نگارگر آشفتگی این دوران و بازتاب آن در ادب و هنر هستند.

اگرچه نامی از کلاژ در نمود سرشت ادبیات جهان به ویژه در دوران کنونی دیده نمی شود، شالودهٔ این پژوهش برهم‌کنش ادبیات و هنر کلاژ در آشکارسازی ویژگی های بنیادین ادبیات جهان است. در این راستا، همگرایی[۶۶] استادان ادبیات، ناشران، مترجمان و کارشناسان ادبی در برپاسازی جستار «ادبیات جهان»، به ویژه در گزینش هدفمند نویسندگان و سرایندگان و نوشته های آنها در بازنمودهای گوناگون از ادبیات جهان مورد بررسی است.

۴-۱. روش پژوهش

نوشته‌های ادبی که با نام «ادبیات جهان» در هر دوره برجسته شده‌اند همواره با چالش چگونگی گزینش و الگوهای گوناگون چیدمان ادبی به دست ویراستاران، کارشناسان و ناشران ادبی در چاپ گلچین‌های ادبیات جهان روبرو بوده‌اند. از آنجا که شالودهٔ هر چیدمان در این گلچین‌ها به دور از دیدگاه‌های فرهنگی-اجتماعی-سیاسی دست‌اندرکاران و سطح دانش ادبی آنها نیست، بکارگیری کلاژ در واکاوی این روی از بازنمود ادبیات جهان به گونه‌ای پیاده‌سازی فلسفهٔ کلاژ در شناسایی آن است. از این رو، این پژوهش با رویکردی میان‌رشته‌ای در ادبیات و هنر و با به کارگیری روش توصیفی-کتابخانه ای، ادبیات جهان را در پرتو انگارهٔ «کارناوال» در اندیشهٔ باختین و شگرد «دورخوانی» از مورتی بازنمایی کرده و پیوند آن را با کلاژ در نگارگری «پاره‌گفتگو» واکاوی می‌کند.

۲. نگارهٔ «گفتگویی با دانته دربارهٔ *کمدی الهی*»[۶۷] به مانند کلاژی از ادبیات جهان

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2023-12-03]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1401.10.3.4.7]

۲-۱. ویژگی کارناوالی در کلاژ و ادبیات جهان

«گفتگویی با دانته دربارهٔ *کمدی الهی*» نام نگارهٔ رنگ روغن در اندازهٔ ٦ متر در ۲.٦ متر از سه هنرمند تایوانی-چینی به نام‌های دای دودو، لی تیه‌زی و ژانگ آنژون[٦٨] و برگرفته از *کمدی الهی* بوده که در سال ۲۰۰٦ میلادی آفریده شد و بر بستر اینترنت به نمایش درآمد. آنچه در بخش نخست حماسهٔ دانته بنای سخن است، نکوهش بسیاری از گذشتگان در زمینه های گوناگون است که در نُه چنبرهٔ دوزخ گردهمایی آدمی را برپا ساخته اند. در نگارهٔ نامبرده که به گونه ای یک دوزخ پنداری به روزشده است، ۱۰۳ نفر از پیشینیان برجسته در مذهب، فلسفه، سیاست، فرهنگ، ادب، موسیقی، سینما و ورزش در کنار هم و در همسایگی دیوار چین با دورنمای دروازهٔ تیانانمن،[٦٩] اهرام سه گانهٔ مصر، جزیرهٔ ایستر در اقیانوس آرام، بنای استون‌هنج[٧٠] در انگلستان، سانتا ماریا[٧١] (کشتی کریستوف کلمب در رهنوردی نخست به سوی آمریکا)، در کنار برخی جنگ افزارها، سازوبرگ های موسیقی، جانوران و چیزهای دیگر دیده می‌شوند. بر روی دیوار چین در سوی راست، در کنار سه هنرمند آفرینندهٔ این نگاره، دانته با *کمدی الهی* خود در دست بیننده‌ای است بر گردهمایی پیش رو در پیرامونی تیره و دوزخ گونه. به گفتهٔ دودو، رهبر نگارگران این پروژه، «ما می‌خواستیم سرنوشت جهان را تنها در یک نگاره بازآفرینی کنیم و داستان جهان را به گونه ای به نمایش بگذاریم که گویی تماشاگران گاهنامهٔ جهان را برگ می‌زنند.» (Dudu, ۲۰۰٦)[٧٢]

این نگاره بازتابی از «تریبون یوفیزی» (۱۷۷۸) از یوهان زوفانی[٧٣] در سبک «پاره‌گفتگو» در سدهٔ هجدهم (Jones, ۲۰۰۹)، که خود بستری یکتا برای آفرینش همسایگی و همزیستی بخش هایی ناهمگن پدید آورده است، و نگارگری های بنام دیگری[٧٤] در این سبک بوده و پیوند تنگاتنگی با ادبیات جهان

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2023-12-03]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1401.10.3.4.7]

دارد. در پاره‌گفتگو، گروهی از مردم یا بزرگان در سرایی گرد هم آورده شده و جای گیری آنها روبروی یکدیگر به گونه‌ای است که گویی در گفتگو با یکدیگرند. در «شکل ۱» نیز چندین نویسنده و سرایندهٔ برجستهٔ ادبی از سرتاسر تاریخ، در کنار سرشناسان دیگر، در کنار هم گذارده شده اند، چه این خوانگاه دوزخی پنداری همچون پندارهٔ دانته از «دوزخ نامداران» باشد (Moore, ۲۰۰۹)، و چه یک نگاره در بازنمود کلاژ در هنر دیداری، بدون آنکه این سران هیچ گونه برتری بر یکدیگر در دورنمای نگاره داشته باشند. توانایی کلاژ در ارزش‌بخشیدن همسان به همهٔ بخش های درگیر ستودنی است. چرا که کلاژ نه تنها «به اندازهٔ گوناگونی‌های رخدادهای سدهٔ بیست و یکم سرشار از برانگیزندگان دیداری است» (Banash, ۲۰۱۱: ۲۰۰)، بلکه به گواه پدیدهٔ «غوطه‌وری آدمی در دوران کنونی در رسانه‌های پیوندی»، بینندگان کلاژ در «برپایی پیوند میان بخش هایی آشکارا ناسازگار»، در رویارویی با بینندگان آغاز سدهٔ بیستم آماده ترند. (Hopkins, ۱۹۹۷: ۱۲) به دیگر سخن، بیشتر مردم در دوران کنونی، خواه ناخواه، با بهم پیوستگی نشانه های گوناگون و ازهم گسیخته دست به گریبان هستند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2023-12-03]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1401.10.3.4.7]

شکل ۱: گفتگویی با دانته دربارهٔ کمدی الهی

پیوند بخش‌های ناسازگار در راستای «ساختار چندآوایی کلاژ» است و نمود «پیوند گفتگویی»[۷۵] میان آنها (Drag, ۲۰۲۰: ٤)، و بازتاب انگارهٔ «کارناوال»[۷۶] یا «شادپیمایی» در اندیشهٔ باختین است. باختین باور داشت که «کارناوال»، یا نمود «جشن‌ها و آیین های گروهی»، ریشه ای ژرف در «ناخودآگاه فردی و گروهی» دارد و «دانش کارناوالی» از دنیا از «سازشی آزاد و استوار بر آشنایی پیشین میان آدمیان» پدید می آید. «کارناوال» می تواند ناشدنی ترین پیوندها را در میان آدمیانی که روبرویی آنها با یکدیگر شدنی نیست، نیرو بخشیده و گفتگویی آزاد و همبستگی‌آفرین در میان آنها

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2023-12-03]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1401.10.3.4.7]

برپا دارد. (Bakhtin, ۱۹۸٤: ۱۲۲-۱۲۳) بر این بنیان، کلاژ در برپایی هم‌آوایی در میان پنداشته های گوناگون به مانند «کارناوال» بوده و پیوندی گفتگویی میان بخش های گوناگون برپا می‌کند. «شکل ۱» نیز به گونه ای نمود پندارهٔ «کارناوال» در شناساندن ادبیات جهان است و همسایگی برگزیدگان آن به آفرینش گفتمانی میان فرهنگی و چندآوایی انجامیده است. از این رو، در سوی راست این نگاره، بینندهٔ دانته از ایتالیا بوده و در دیگر بخش ها هم نشینی اندیشمندان، نویسندگان و سرایندگانی چون افلاطون و ارسطو از یونان؛ لائوتسه، کنفوسیوس، لی بِی و لو شون[۷۷] از چین؛ تاگور از هند؛ گورکی، پوشکین و تولستوی از روسیه؛ ارنست همینگوی از آمریکا؛ گوته و نیچه از آلمان؛ شکسپیر و لوییس کارول[۷۸] از انگلستان؛ روسو[۷۹] از فرانسه؛ و هانس کریستین اندرسون[۸۰] از دانمارک را میبینیم.

اما پرسش بنیادین در بررسی «شکل ۱» و سرشت کارناوالی آن این است که نامبردگان به چه روی برگزیده و در کنار هم گنجانده شده‌اند؟ آیا آفرینندگان این نگاره به درستی و راستی توانسته‌اند کلاژ و جشنواره‌ای در ستایش ادبیات سرتاسر جهان برپا کنند؟ پاسخ را می توان در سه بخش واکاوی کرد: برتری دادن برخی بزرگان ادب بر دیگران به دست آفرینندگان این نگاره، ناآگاهی آنان از جریان‌های گوناگون ادبی، و نداشتن شناسه ای درست از ادبیات جهان. در بخش نخست، می‌توان نگارهٔ جنجالی «واشینگتن اِروینگ[۸۱] و دوستان فرهیخته اش در سانی‌ساید»[۸۲] (۱۸٦٤) از کریستین شوسِل[۸۳] (۱۸۷۹-۱۸۲٤) که دربارهٔ نویسندگان سرشناس ادبیات آمریکا در

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2023-12-03]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1401.10.3.4.7]

میانهٔ سده نوزدهم است را یادآور شد. اِروینگ (۱۷۸۳-۱۸۵۹) برجسته‌ترین نویسنده در دوران طلایی ادبیات آمریکا و نُقل همیشگی سخن در انجمن های ادبی و هنری بود. وی خود به گونه‌ای یاور دیگر نویسندگان نیز بود و سرای او در سانی‌ساید، در ایالت نیویورک، بنایی گرانمایه برای نشست‌های ادبی بوده است. این نگاره برخی از نویسندگانی را در کنار اِروینگ، که در میان نگاره نشسته است، جای می‌دهد که نزدیکی زمانی با وی ندارند و برخی امروزه نیز چندان سرشناس نیستند. از سوی دیگر، این نگاره بزرگانی چون آلِن پو، مِلویل، ویتمن، ثورو، ویتی‌یِر، اِستو، فولِر، دیکینسون[۸۴] و چندین نویسندهٔ بنام زن دیگر که هنوز نیز سرشناس هستند را از چنبرهٔ نگاه خود برون رانده است. نگارهٔ شوسل گواه «دگرگونی همیشگی آوازهٔ ادبی» در دوره‌های گوناگون تاریخ است (Baym, ۲۰۰۳: ٤۲۹)، فرآیندی که آشکارا در گزینش نویسندگان و نوشتارهای ادبی برای آموزش‌های دانشگاهی در انجام بوده و اندک اندک به برپایی کانون‌های[۸۵] ادبی کلاسیک و پویا[۸۶] در برپایی آوازهٔ برخی نویسندگان در برابر برخی دیگر انجامیده است. برای نمونه، چنانچه ادبیات آمریکا بر آن بود تا در میانهٔ سدهٔ نوزدهم تنها بر پایهٔ نگارهٔ شوسل به جهانیان شناسانده شود، بی‌شک بخش چشمگیری از بزرگان ادبیات آمریکای زمان در فهرست پایانی نمی‌گنجید.

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2023-12-03]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1401.10.3.4.7]

شکل ۲: واشینگتون اِروینگ و دوستان فرهیخته‌اش در سانی‌ساید

آنچه شوسل در گزینش خود انجام داده است آشکارا در ویرایش های گوناگون گلچین های ادبی جهان همچون نورتون[۸۷] دیده می‌شود. در بررسی این ویرایش‌ها درمی یابیم که گاهی نویسنده‌ای که در ویرایشی پیشین شناسانده شده است، در ویرایش پسین دیده نمی‌شود. و یا با شناسایی نویسندگان برجستهٔ هر دوره برخی از نویسندگان برجستهٔ پیشین که کمتر در چارچوب دانشگاهی بررسی می شوند از این ویرایش ها رانده می‌شوند. در این راستا، به ویژه از سال های پایانی سدهٔ بیستم و با رشد جهانی‌شدن، دنیای ادبیات نیز در برجسته سازی نوشته های پیشین بیشتر تلاش نموده و در تکاپوی شناسایی آنها در ادبیات کشورهای گوناگون است. این دگرگونی در بخش‌های افزون‌شده به *گلچین نورتون از شاهکارهای جهان*[۸۸] در پایان سدهٔ

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2023-12-03]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1401.10.3.4.7]

بیستم آشکار است؛ چرا که ویرایش سال ۱۹۵٦ آن تنها ادبیات اروپای باختری و آمریکای شمالی را دارا بوده؛ حال آنکه در ویرایش سال ۱۹۹۵ بخش هایی از ادبیات دیگر کشورها نیز دیده می شود. گلچین‌هایی چون *گلچین ادبیات جهان نورتون*،[۸۹] *گلچین ادبیات جهان لانگمَن*،[۹۰] *دانشنامهٔ زمینه‌ای ادبیات جهان*،[۹۱] *سیری در تاریخ ادبیات جهان میجیل*،[۹۲] *کتاب مرجع ادبیات جهان*،[۹۳] *ادبیات جهان* اثر باکنر تراویک،[۹٤] *گاه‌فهرست ادبیات جهان*،[۹۵] *دانشنامهٔ درون‌مایه‌ها در ادبیات*،[۹٦] *ادبیات جهان مَکداگِل لیتِل*،[۹۷] *دانشنامهٔ خوانندگان بِنِت*،[۹۸] *مکتب‌های ادبی برای دانشجویان*،[۹۹] *حماسه‌هایی برای دانشجویان*[۱۰۰] و نشریهٔ *ادبیات جهان امروز*،[۱۰۱] اگرچه پرمغز و پرمایه هستند، اما تهی از لغزش نیستند. برای نمونه، در بیشتر این نوشتارها، ادب پارسی کهن و نو به ریختی باورنکردنی نادیده گرفته شده است؛ و یا در فرهنگ هایی چون *دانشنامهٔ خوانندگان بِنِت*، سوای نام فردوسی و حافظ و صادق هدایت، نویسنده یا سرایندهٔ پارسی دیگری به چشم نمی‌خورد؛ و یا در گلچین‌های ادبیات جهان نورتون و لانگمن، توجه چندانی به ادب پارسی و پرمایگی آن نشده است؛ و یا در نوشته هایی که دربارهٔ سبک های ادبی در گسترهٔ جهان هستند، نامی از نمونه های پارسی دیده نمی‌شود. نبود بزرگی از بزرگان ادب پارسی در نگارهٔ «گفتگویی با دانته» نیز آشکار است. والتر کوهِن،[۱۰۲] استاد ادبیات تطبیقی دانشگاه میشیگان، «بنیادین بودن فرهنگ ایرانی در برپایی و کارکرد ادبیات جهان» را می‌ستاید و باور دارد که ادبیات پارسی همواره دچار «نامهربانی» شده است. (Cohen, ۲۰۱۷: ۱۷) گسترهٔ فرمانروایی هخامنشیان در برپایی پیوند سیاسی-فرهنگی میان «شرق آفریقا، اوراسیا، شرق یونان، آسیای مرکزی و غرب چین» (همان، ۲۹)، و کارسازی آن در رخدادهای سده های

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2023-12-03]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1401.10.3.4.7]

ششم تا چهارم پیش از میلاد در میان یهودیان و بازنمود آن در بخش‌هایی از تورات که در مورد این دوران گزارش می دهند (همان، ۳٤)، از چرایی های نگرش کوهن می‌باشند. کوهن که خود یهودی است باور دارد که «همه گذرگاه ها، اگر به ایران پایان نمی یافتند، دست کم از آن می‌گذشتند» (همان، ۳۰-۲۹) این که «شکل ۱» هیچ نگاره ای از پارسیان ندارد نشان از ناآشنایی آفرینندگان آن از ادب پارسی و یا گزینش هدفمند آنها بوده و نیز گزینش ادبی هدفمند در گلچین‌های ادبیات جهان را یادآورد می‌شود. برای نمونه، چنانچه بیننده‌ای با شکسپیر آشنا بوده اما سعدی را نشناسد، در رویارویی با ابزارهایی چون نگارهٔ «گفتگویی با دانته» که برخی گنجینه‌های پنداری، ادبی و هنری گوناگون جهان را در کنار هم گذاشته است، می‌توانست شکسپیر را در کنار سعدی دیده، همانندی و ناهمانندی آنها را بررسی کرده و به الگوهایی فراتر از الگوهای ادبیات بومی دست یابد. در نبود سعدی یا بزرگان ادبی دیگر در این نگاره چنین برداشتی پیش نمی آید، اگرچه برش گزینشی این نگاره از کشورهای گوناگون ابزاری در راستای فلسفهٔ کلاژ و در شکستن آرمان های بومی در ادبیات است (Banash, ۲۰۱۳: ۲۵–۲٦)، و ادبیات را از «دور باطل» یا سرگردانی میهن‌پرستانه رانده و به سوی جشنوارهٔ جهان بیرون و «همبستگی نو» با دیگر کشورها رهنمون می سازد. (همان، ۱۷۳) از دیدگاه باختین، دانش کارناوالی از دنیا «با تلاش‌های یک‌سویه‌ای که خشک اندیشانه و در دشمنی با گوناگونی هستند، ناسازگار است.» (Bakhtin, ۱۹۸٤: ۱٦۰)؛ چرا که در یک کارناوال همکاری همگانی دیده می‌شود و هیچ بخشی برتری بر دیگری ندارد. «ساختار برابرگرا» در کلاژ نیز نشان از همین ویژگی‌های کارناوالی دارد (Drag, ۲۰۲۰: ۲۰) چنانچه نویسندگان و نوشتارهای برگزیده در برپایی ادبیات جهان نیز در

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2023-12-03]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1401.10.3.4.7]

برابر سدّی چون گزینش برهه‌ای و پسندی باشند، تنها در بستر ادبیات بومی خود گرفتار بوده و راهیابی آنها به ادبیات جهان و ماندگاری در آن رخ نمی دهد.

۲-۲. «دورخوانی» و «نظریهٔ شبکه» در بازنمود گلچین ادبیات جهان

الگوی دیگری که نمایانگر جستار «ادبیات جهان» از دریچهٔ نگارهٔ «گفتگویی با دانته» است، الگوی «دورخوانی» از فرانکو مورتی است که در نوشتاری به همین نام آن را گزارش کرده است. در باور مورتی، خوانندهٔ ادبیات جهان همچون بینندهٔ درختی با شاخه‌های فراوان است که چون «تاریخ ادبیاتِ گسترده‌شده» است. (Moretti, ۲۰۱۳: ۸۷) «زیبایی دورخوانی» در بررسی ادبیات جهان در واقع «سرپیچی کردن از روند تاریخ‌نگاری بومی» و رهایی از بند سامانی درون-کشوری است (همان، ۵۳)، چرا که تاریخ ادبیات با دورخوانی به «زنجیری بلند از آزموده های به هم پیوسته» در پهنهٔ جهان دگرگون می گردد. (همان، ٥٤) کارشناس ادبی می بایست از یک نوشتهٔ ادبی «به بیرون گام نهد» تا نگاره ای بزرگتر، همچون تاریخ گونه‌ای ادبی در یک سده یا کارایی شگردی ادبی در درازای چندین دهه، را ببیند. بدین گونه ادبیات جهان چون درختی است با شاخه های در هم تنیدهٔ که نیازمند بیننده ای تیزبین است. (همان، ۸۹)

در «شکل ۳»، شگرد دورخوانی به یافتن پیوندهایی در میان کاراکترها در نمایشنامهٔ *هملت* کمک می‌کند. این شگرد بر پایهٔ «نظریهٔ شبکه» می‌باشد که به «کاوش در پیوندهای درونی گروه‌های بزرگی از چیزهای گوناگون» می‌پردازد. (Moretti, ۲۰۱۳: ۲۱۲) هر کدام از این چیزها یا پاره ها یک «گره»[۱۰۳] یا «نوک»[۱۰٤] یا «رأس» نام دارد و پیوندهای میان آنها «لبه»[۱۰۵] نامیده می شود. پیوند میان گره های چنین سامانه‌ای به دست لبه ها از

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2023-12-03]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1401.10.3.4.7]

ویژگی های بنیادین بسیاری از سامانه های بزرگ می باشد. به دیگر سخن، «شتاب شگفت انگیز دسترسی به هر گره از هر گرهٔ دیگر در هر سامانه» از ویژگی‌های برجستهٔ هر سامانه است. (همان، ۲۱۳) برای نمونه، در نمای سامانه‌ای از نمایشنامهٔ *هملت*، پیوندهای هملت با دیگران و دیگران با یکدیگر بدون کم وکاست و در یک نگاه روشن شده است. از این دیدگاه، پیوند گرهٔ هملت با گرهٔ اُفیلیا تنها یک پیوند دوسویه نیست و شمار زیادی لبه های پیوندی را از گرهٔ هملت به گرهٔ اُفیلیا می توان برشمرد.[۱۰۶] شگرد «دورخوانی» بدین سان پیوندهای میان گره ها را بیش از پیش با یکدیگر روشن می سازد و خواننده/بیننده می تواند با نمای دید پرنده،[۱۰۷] همچون نمای دور[۱۰۸] در فیلمبرداری، به بررسی پیوندهای کاراکترهای این نمایشنامه بپردازد. «نظریهٔ شبکه» خود در راستای انگاره‌های «صورتگرایان»[۱۰۹] روسی در این زمینه بوده و نخستین بار به دست یوری تینیانوف[۱۱۰] در سال ۱۹۲۹ در گزارش «ساختار چندلایهٔ بخش های به هم پیوسته» به بار نشست. بر این بنیان، نوشته‌ها و گونه های ادبی گوناگون در یک سامان گسترده در برابر هم واکاوی پذیر می شوند؛ چرا که «رسایی ادبی» آنها در هر دوره و در ادامهٔ نوشته‌ها و گونه‌های ادبی دوره های پیشین نمایان می‌گردد. (Baker and Saldanha, ۲۰۰۹: ۱۹۷) توماس الیوت در این زمینه چنین می گوید:

آفرینش کار هنری نو به راستی بازآفرینش همگی کارهای پیشین است. کارهای ماندگار سامانی آرمانی در میان خود برپا می کنند که به دست کارهای هنری نو آراسته تر می گردند. شایسته و بایسته است که هر سامان در نگهداری خود به گونه‌ای

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2023-12-03]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1401.10.3.4.7]

کوشا باشد که با آفرینش کاری نو اندکی دگرگون شود؛ بر این بنیان، پیوندها، همگونی ها و ارزش های کارهای هنری نو در برابر هم‌گروهی های پیشین دگرباره سامان می گیرند. (Eliot, ۱۹۵۷: ۵۰)

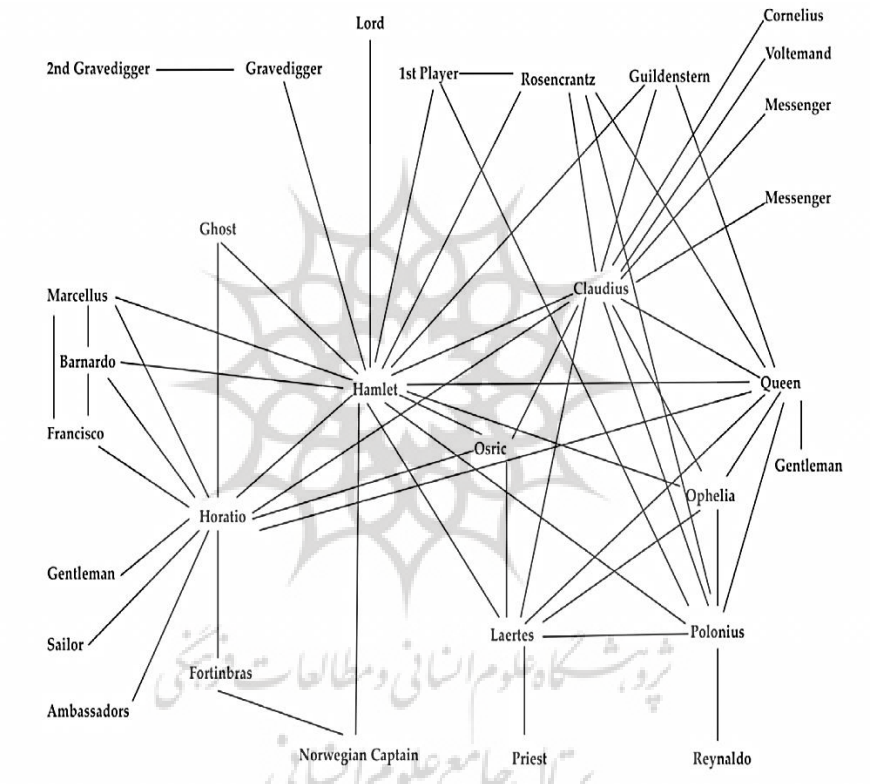

شکل ۳: شبکهٔ شخصیت ها در *هملت* (**Moretti,** ۲۰۱۳: ۲۱۳)

۳. یافته ها

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2023-12-03]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1401.10.3.4.7]

این که چگونه برگزیدگان ادبیات از زمان ها و کشورهای گوناگون در یک چارچوب یا گلچین ادبی گردآوری می‌شوند از آنجاست که دست اندرکاران این گلچین ها برخی را بر برخی دیگر برتری می‌دهند. این گزینش یا آگاهانه و پیرو سبک ویژه‌ای در گزینش دوره ای و یا ناآگاهانه و از سر ندانستن کانون‌های کلاسیک و پویای ادبی در کشورهای گوناگون است. در این راستا، تلاش کشورها در برپایی و رشد انجمن های ادبی بومی در راهیابی به ادبیات جهان و بهره گیری از فرهنگ بومی در چیرگی بر رخنهٔ فرهنگی دیگر کشورها، به باور پاسکال کازانوا[۱۱۱] در *جمهوری جهانی ادبیات*،[۱۱۲] در شناسایی سامان مند شاهکارهای ادبی بومی در پهنهٔ جهان بس کارساز است. در چرایی این که از چه روی دستاوردهای ادبی بومی گاه و بیگاه در پهنهٔ جهانی در حاشیه هستند، ایون-زوهار[۱۱۳] بر این باور است که از دیدگاه انگارهٔ چندسامانگی،[۱۱۴] کشورهای کمتر شناخته‌شده یا بدون پیوندهای فرهنگی گسترده با دیگر کشورها، ادبیاتی «سست»[۱۱۵] یا پیرامونی[۱۱۶] داشته و «آن دسته از فرآیندها و تلاش های ادبی که در ادبیات کشورهای پرتوان نمایان است را نمی آزمایند.» (Even-Zohar, ۱۹۹۰: ٤٧) به دیگر سخن، کشورهایی که ادبیات خود را در پهنهٔ جهانی بیشتر شناسانده اند، به گواه کم کاری کشورهای سست-فرهنگ یا سست-توان در شناساندن ادبیات خود، افسار ادبیات جهان را در دست گرفته اند. همچنین، ادبیات چنین کشورهایی با «کران مند کردن خود به گنجینهٔ بومی» عملکردی جهانی نخواهند داشت و ایستایی ادبی بومی خود و نبود شاهکارهای ادبی بومی را تنها «به ریخت خرد یا فراگیر، با ترجمهٔ ادبیات کشورهای توانمند ادبی پر می کنند.» (همان، ۸۱) در دیدگاه ایون-زوهار، از آنجا که ادبیات پیرامونی در اروپا و آمریکا بیشتر از آن

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2023-12-03]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1401.10.3.4.7]

کشورهای کم‌توان فرهنگی است، که همانا پدیده‌ای ناخوشایند است، ادبیات رده بندی شده در میان این کشورها از آغاز برپایی ادبیات جهان نهادینه شده است. از این رو، درون چنین چندسامانگی کلان،[۱۱۷] ادبیات برخی کشورها به حاشیه رفته و از یک چارچوب ادبی بیگانه و بزرگتر الگوپذیری می کند. (همان، ٤٨)

اما آنچه کلاژ را در ارزش‌گذاری برابر در میان بخش‌های درگیر برجسته می کند برپایی پیوندی سنجیده در میان آنها در راستای «سرکوب نشانه های رده‌بندی شده» است و در این راستا زنجیره ای از «پیوندهای سنجیدهٔ قوی» در میان این بخش ها در کارآیی آنها برای یکدیگر، واگرایی آنها یا همگرایی آنها برپا می سازد. (Antin, ۲۰۱۱: ۲۱۱) بر این بنیان، پرلوف[۱۱۸] کلاژ را جایگزین‌کنندهٔ «ناهم ترازی»[۱۱۹] با « هم ترازی»[۱۲۰] و «سنجش و رده بندی» با «همسانی و ناهمسانی» می داند. (Perloff, ۱۹۹۸: ۳۸٦) کلاژ بدین سان هرگونه «رده بندی» ساختاری در میان بخش های خود را نادیده گرفته و آنها را بر پایهٔ «هم‌پایگی»،[۱۲۱] که شگردی در سخنوری در همسایه سازی واژگان و گزاره ها بدون واج های پیوندی است، در کنار هم می نهد. (Perloff, ۲۰۰۳: ۷۵) از همین رو، لیپارد[۱۲۲] کلاژ را «استعاره ای از مردم‌سالاری فرهنگی» می داند؛ زیرا کلاژ «چیزهای گوناگون را بدون ناکام کردن آنها از چیستی خود در کنار هم جای می دهد» (Lippard, ۱۹۹۵: ۲۰۹)، و بدین سان بیننده را از هرگونه برتری جویی در گزینش ناکام می گذارد.

«گفتگویی با دانته دربارهٔ *کمدی الهی*»، اگرچه در گزینش بزرگان ادبی چین و اروپا بدون لغزش نبوده است، اما پیام نهفته در دل را چنانچه آن را برداشتی از جستار «ادبیات جهان»

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2023-12-03]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1401.10.3.4.7]

بدانیم به نیکی رسانده است. اینکه فیلسوفان، نویسندگان و سرایندگانی از کشورهای گوناگون گرد هم آمده و گونه‌ای مردم سالاری فرهنگی-ادبی را در پهنه ای هموند برپا کرده اند، خود بازنمود فلسفهٔ کلاژ بوده و سرشت گزینشی ادبیات جهان را گوشزد می کند. ادبیات جهان در این جایگاه، از آن رو که بازتاب ادبیات بومی یک کشور در ادبیات جهان به دست کارشناسان ادبی است، هیچ گاه بر پایهٔ دانشی فراگیر از همهٔ کارهای ادبی جهان نیست و چیدمان ادبی آن همچون چیدمان بخش های گوناگون در یک نگارهٔ کلاژ است. همچنین، به همان گونه که کلاژ به گزینش بی سامان پاره های خود در بستری شبکه ای دچار است، ادبیات جهان پیوسته کاستی پذیر و افزایش پذیر است و با دگرگونی دیدگاه های فرهنگی-سیاسی کارشناسان ادبیات جهان، و دگرگونی های تاریخی در ادبیات و دیگر دانش‌ها رنگ و ریخت خود را بازآرایی می کند.

٤. جمع‌بندی

هنر کلاژ، که برگرفته از سبک نگارگری «پاره‌گفتگو» است، نمایانگر همگرایی همیشگی در میان بخش‌هایی ناهمگون در پهنه‌ای فراخ است و هستی خود را به برآیند پیوندهای درهم‌تنیده در میان این بخش های ناسازگار گره زده است. سامان بی سامان پدیدار در کلاژ به یکباره آشکار و دریافت نمی گردد و چند و چون معماگونهٔ این هنر و گرفتن پیام آن در گرو دانستن ساختار آن است. بررسی پیوندهای ناهمگون بخش‌های کلاژ در سایهٔ شگردها و انگاره‌هایی در پیوند با «نظریهٔ شبکه»، به ویژه «دورخوانی» از فرانکو مورتی و «کارناوال» از باختین، به گونه‌ای ابزار واکاوی کلاژ هستند. به کارگیری «دورخوانی» و «کارناوال» در بررسی ادبیات

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2023-12-03]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1401.10.3.4.7]

جهان به سان کلاژ بیش از پیش پیوندهای شگرف میان نوشته ها و سروده های ادبی در سرتاسر جهان را نمایان کرده و بستر را برای برتری جویی فرهنگی-هنری در نمود ادبیات جهان تنگ می کند؛ چرا که بنیان کلاژ و هنرهای کلاژگونه بر برپایی برابری در میان بخش‌های درگیر استوار است. در همین راستا، نگارهٔ «گفتگویی با دانته دربارهٔ *کمدی الهی*»، در سبک کلاژ و پاره‌گفتگو، نمودی دیداری از جستار «ادبیات جهان» در واکاوی پیوندهای درهم‌تنیدهٔ ادبیات کشورهای گوناگون با یکدیگر در بستری یکسان و همویند است. از سوی دیگر، این نگاره در برجسته‌سازی آیین و فرهنگ چین در برابر دیگر آیین ها و فرهنگ ها به ویژه اروپا نمونه‌ای روشن از رفتار گزینشی دست‌اندرکاران گلچین‌های ادبیات جهان در شناسایی ادبیات کشورها است. این نگاره در چارچوب هدفمند خود در نمایش چهره‌هایی برگزیده از سرتاسر کرهٔ خاکی، با اندکی برتری‌جویی به سود فرهنگ و ادب چین، بازتاب این جستار است که گزینش های گوناگون ادبی در برپایی ادبیات جهان به دور از سنجه های نژادی و فرهنگی نبوده و هیچگاه نمی توان نگاره‌ای یک‌دست و یک‌رنگ در پیروی از سنجه‌هایی از پیش تعریف‌شده از ادبیات جهان در دسترس خوانندگان گذاشت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشت

۱ Conversation piece
۲ Carnivalesque
۳ Mikhail Bakhtin
٤ Distant reading
٥ Franco Moretti

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2023-12-03]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1401.10.3.4.7]

٦ *Weltliteratur*
٧ *Gespräche mit Goethe in den letzten Jahren seines Lebens*
٨ Johann Peter Eckermann
٩ Digital Humanities

۱۰ برگردان نویسندهٔ پژوهش از نوشتهٔ انگلیسی

١١ Karl Marx and Friedrich Engles' *Communist Manifesto*
١٢ Anxiety of influence
١٣ Harold Bloom
١٤ Intra-poetic relationships
١٥ Thomas Sterne Eliot (١٨٨٥-١٩٦٥)
١٦ "Tradition and the Individual Talent"
١٧ Giuseppe Arcimboldo (١٥٢٧-١٥٩٣)
١٨ *silva rerum* chronicles
١٩ *Les Chants de Maldoror* (١٨٦٩)
٢٠ Comte de Lautréamont (١٨٤٦-١٨٧٠)
٢١ Cubism
٢٢ Pablo Picasso (١٨٨١-١٩٧٣)
٢٣ Georges Braque (١٨٨٢-١٩٦٣)
٢٤ Juan Gris (١٨٨٧-١٩٢٧)
٢٥ Surrealism
٢٦ Dadaism
٢٧ Futurism
٢٨ Guillaume Apollinaire (١٨٨٠-١٩١٨)
٢٩ *Les mamelles de Tirésias* (١٩٠٣)
٣٠ Max Ernst (١٨٩١-١٩٧٦)
٣١ Collage aesthetic
٣٢ Polyphonic structure
٣٣ Crisis art
٣٤ Cultural activism
٣٥ Dialogic
٣٦ network theory
٣٧ David Banash

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2023-12-03]
[DOR: 20.1001.1.23452366.1401.10.3.4.7]

۳۸ Mass production
۳۹ Drag
٤٠ Christian Marclay
٤١ Lance Olsen
٤٢ Steve Tomasula
٤٣ Gyorgy Palfi
٤٤ Experimental artists
٤٥ extensive appropriation
٤٦ heterogeneity of material
٤٧ multimodality
٤٨ juxtaposition
٤٩ Thomas P. Brockelman
٥٠ David Shields
٥١ the animating cataclysm
٥٢ David Markson
٥٣ David Shields
٥٤ Lance Olsen
٥٥ Steve Tomasula
٥٦ Graham Rawle
٥٧ Maggie Nelson
٥٨ Hannah Höch
٥٩ Kurt Schwitters
٦٠ Raoul Hausmann
٦١ Man Ray
٦٢ Eileen Agar
٦٣ Joseph Cornell
٦٤ Nancy Spero
٦٥ John Grenville Stezaker
٦٦ Relativism
٦٧ Discussing the *Divine Comedy* with Dante
٦٨ Dai Dudu, Li Tiezi, Zhang Anjun
٦٩ Tiananmen
٧٠ Stonehenge

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2023-12-03]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1401.10.3.4.7]

۷۱ La Santa María

۷۲ برای دیدن نام افراد موجود در این نگاره به درگاه زیر رجوع شود:

http://nazwob.persiangig.com/html/Famous%۲۰People%۲۰Painting%۲۰Discussing%۲۰the%۲۰Divine%۲۰Comedy%۲۰with%۲۰Dante.htm

۷۳ "Tribuna of the Uffizi" by Johann Zoffany

۷۴ Francesca's "The Duke and Duchess of Urbino" (۱۴۶۷-۷۲); Raphael's "The School of Athens" (۱۵۰۹-۱۱); Titian's "A Man with a Quilted Sleeve" (۱۵۱۰); Hogarth's "An Election Entertainment" (۱۷۵۴-۵); Reynolds' "Lawrence Sterne" (۱۷۶۰); Gros's "Napoleon on the Battlefield of Eylau" (۱۸۰۷); Ingres's "Princesse Albert de Broglie" (۱۸۵۳); Manet's "The Fife Player" by (۱۸۶۶)

۷۵ Dialogism

۷۶ Carnival

۷۷ Lao Tzu, Confucius, Li Bai, Lu Xun

۷۸ Lewis Carroll

۷۹ Jean-Jacques Rousseau

۸۰ Hans Christian Anderson

۸۱ Washington Irwing

۸۲ "Washington Irving and his Literary Friends at Sunnyside"

۸۳ Christian Schussele

۸۴ E. A. Poe, H. Melville, W. Whitman, H. D. Thoreau, J. G. Whittier, H. B. Stowe, M. Fuller, E. Dickinson

۸۵ Canon

۸۶ Dynamic canon

۸۷ Norton

۸۸ *The Norton Anthology of World Masterpieces*

۸۹ *Norton Anthology of World Literature*

۹۰ *The Longman Anthology of World Literature*

۹۱ *Gale Contextual Encyclopedia of World Literature*

۹۲ *Magill's Survey of World Literature*

۹۳ *Reference Guide to World Literature*

۹۴ Buckner B. Trawick's *World Literature*

۹۵ *Timetables of World Literature*

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2023-12-03]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1401.10.3.4.7]

۹۶ *Encyclopedia of Themes in Literature*
۹۷ *McDougal Littell World Literature*
۹۸ *Benét's Reader's Encyclopedia*
۹۹ *Literary Movements for Students* (Gale)
۱۰۰ *Epics for Students* (Gale)
۱۰۱ *World Literature Today*
۱۰۲ Walter Cohen
۱۰۳ node
۱۰۴ vertex
۱۰۵ edge
۱۰۶ ۱. Hamlet, Ophelia; ۲. Hamlet, Queen, Ophelia; ۳. Hamlet, Polonius, Ophelia; ٤. Hamlet, Claudius, Ophelia; ٥. Hamlet, Claudius, Queen, Ophelia; ٦. Hamlet, Ghost, Horatio, Queen, Ophelia; ۷. Hamlet, Horatio, Queen, Ophelia; ۸. Hamlet, ۱st Player, Polonius, Ophelia; ۹. Hamlet, Guildenstern, Queen, Ophelia; ۱۰. Hamlet, Guildenstern, Queen, Claudius, Rosencrantz, ۱st Player, Polonius, Ophelia. Etc.
۱۰۷ Bird's-eye view
۱۰۸ Long shot
۱۰۹ Formalists
۱۱۰ Yury Tynyanov (۱۸۹٤-۱۹٤۳)
۱۱۱ Pascale Casanova
۱۱۲ *La rêpublique mondiale des lettres*
۱۱۳ Itamar Even-Zohar
۱۱۴ Polysystem theory
۱۱۵ weak
۱۱٦ peripheral
۱۱۷ (macro-)polysystem
۱۱۸ Marjorie Perloff
۱۱۹ subordination
۱۲۰ coordination
۱۲۱ parataxis
۱۲۲ Lucy Lippard

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2023-12-03]
[DOR: 20.1001.1.23452366.1401.10.3.4.7]

منابع

Antin, D. (۲۰۱۱). *Radical Coherency: Selected Essays on Art and Literature, ۱۹۶۶ to ۲۰۰۵*. Chicago: University of Chicago Press.

Baker, M. & G. Saldanha. (۲۰۰۹). *Routledge Encyclopedia of Translation Studies*. New York: Routledge.

Bakhtin, M. (۱۹۸۴). *Problems of Dostoevsky's Poetics*. Minneapolis: University of Minnesota Press.

Banash, D. (۲۰۱۱). "Collage as Practice and Metaphor in Popular Culture." In K. McLeod & R. Kuenzli (Eds), *Cutting Across Media: Appropriation Art, Interventionist Collage, and Copyright Law*, ۲۶۴-۷۵. Durham: Duke University Press.

Banash, D. (۲۰۱۳). *Collage Culture. Readymades, Meaning, and the Age of Consumption*. Amsterdam: Rodopi.

Baym, N. (ed). (۲۰۰۳). *The Norton Anthology of American Literature: Shorter Sixth Edition*. New York and London: W. W. Norton & Company.

Bloom, H. (۱۹۹۷). *The Anxiety of Influence: A Theory of Poetry*, ۲nd ed. Oxford and: Oxford University Press.

Boxall, P. (۲۰۱۳). *Twenty-First-Century Fiction: A Critical Introduction*. Cambridge: Cambridge University Press.

Brockelman, T. P. (۲۰۰۱). *The Frame and the Mirror: On Collage and the Postmodern*. Evanston: Northwestern University Press.

Casanova, P. (۲۰۰۴). *The World Republic of Letters*. Translated by Malcolm DeBevoice. Cambridge Harvard University Press.

Cohen, W. (۲۰۱۷). *A History of European Literature: The West and the World from Antiquity to the Present.* Oxford: Oxford University Press.

Cran, R. (۲۰۱۴). *Collage in Twentieth-Century Art, Literature, and Culture: Joseph Cornell, William Burroughs, Frank O'Hara, and Bob Dylan*. Farnham: Ashgate.

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2023-12-03]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1401.10.3.4.7]

Cureton, P. (۲۰۱۶). *Strategies for Landscape Representation: Digital and Analogue Techniques*. New York: Routledge.

Damrosch, D. (۲۰۰۳). *What IS World Literature?* Princeton: Princeton University Press.

Drag, W. (۲۰۲۰). *Collage in Twenty-First-Century Literature in English: Art of Crisis*. New York: Routledge.

Dudu, D, et al. (۲۰۰۶). "Discussing the Divine Comedy with Dante." https://www.earthlymission.com/wp-content/uploads/۲۰۱۵/۰۹/famous-faces-painting.jpg.

Eckermann, J. P. & J. W. von Goethe. (۱۸۳۶). *Gespräche mit Goethe in den letzten Jahren seines Lebens*. Leipzig: F. A. Brockhaus.

Eliot, T. S. (۱۹۵۷). *The Sacred Wood: Essays on Poetry and Criticism*. London: Methuen Co Ltd.

Even-Zohar, I. (۱۹۹۰). "Polysystem Studies." *Poetics Today*. Vol. ۱۱. No. ۱. pp. ۱-۲۶۸.

Frascina, F. (۲۰۱٤). "Collage: Conceptual and Historical Overview." In M. Kelly (Ed.), *Encyclopedia of Aesthetics*, ۲nd ed, ۳۸۲-۸۸. Oxford: Oxford University Press.

Goethe, J. W. (۱۹۳۰). *Conversations with Eckermann.* John Oxenford (Trans.). London: Everyman.

Goethe, J. W. (۱۹۷۳). "Some Passages Pertaining to the Concept of World Literature." In H-J. Schultzand & P. H. Rhein (Eds.), *Comparative Literature: The Early Years*, ۱-۱۱. Chapel Hi۱l: University of North Carolina Press.

Greenberg, C. (۲۰۲۱). "Collage." *Sharecom*. http://www.sharecom.ca/greenberg/collage.html. Accessed ٥ Nov. ۲۰۲۱.

Hargrove, N. (۱۹۸۸). "The Great Parade: Cocteau, Picasso, Satie, Massine, Diaghilev—and T.S. Eliot." *Journal for the Interdisciplinary Study of Literature*. Vol. ۳۱. No. ۱. pp. ۸۳-۱۰٦.

Hopkins, B. (۱۹۹۷). "Modernism and the Collage Aesthetic." *New England Review*. Vol. ۱۸. No. ۲. pp. ٥–۱۲.

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2023-12-03]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1401.10.3.4.7]

Jaffe, H. (۲۰۱۱). "Picketing the Zeitgeist: Crisis Art." *American Book Review*. Vol. ۳۲. No. ٦. pp. ۳–٤.

Jones, J. (۱۸ March, ۲۰۰۹) "It's the painting the web is abuzz about - but what does it mean." *The Guardian*. https://www.theguardian.com/artanddesign/۲۰۰۹/mar/۱۸/art-internet. Accessed ۲٤ Nov. ۲۰۲۱.

Kostelanetz, R. (۲۰۰۱). *A Dictionary of the Avant-Gardes*. New York: Routledge.

Leland, N. & V. L. Williams. (۲۰۰۰). *Creative Collage Techniques*. Cincinnati: North Light Books.

Lippard, L. (۱۹۹٥). *The Pink Glass Swan: Selected Feminist Essays on Art*. New York: New Press.

Marx, K. & F. Engels. (۱۹۷۰). *Manifesto of the Communist Party*. S. Moore (Trans.). Peking: Foreign Language Press.

Moore, M. (۱٦ March, ۲۰۰۹). "۱۰۳ Famous Faces in One painting." *London Daily Telegraph*. http://www.telegraph.co.uk/news/newstopics/howaboutthat/٥۰۰۱٤٦۲/۱۰۳-famous-faces-in-one-painting.html. Accessed ٤ Oct. ۲۰۲۱.

Moretti, F. (۲۰۱۳). *Distant Reading*. London: Verso.

Nycz, R. (۲۰۰۰) *Tekstowy świat: Poststrukturalizm a wiedza o literaturze*. Kraków: Universitas.

Perloff, M. (۱۹۹۸). "Collage and Poetry." In M. Kelly (Ed.), *Encyclopedia of Aesthetics*, Vol. ۱, ۳۸٤-۸۷. Oxford: Oxford University Press.

Perloff, M. (۲۰۰۳). *The Futurist Moment: Avant-Garde, Avant Guerre, and the Language of Rupture*. Chicago: University of Chicago Press.

Schussele, C. (۱۸٦٤). "Washington Irving and his Literary Friends at Sunnyside." Smithsonian's National Portrait Gallery. https://artsandculture.google.com/asset/washington-irving-and-his-literary-friends-at-sunnyside/qQGsuolDkDcqGg?hl=en-GB&avm=۲

Shields, D. (۲۰۱۳). *How Literature Saved My Life*. New York: Alfred A. Knopf.

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2023-12-03]

[DOR: 20.1001.1.23452366.1401.10.3.4.7]

Śniecikowska, B. (۲۰۰۹). "Wszystko jest kolażem?" *Teksty Drugie: Teoria literatury, krytyka, interpretacja*. Vol. ۱۱۹. No. ۵. pp. ۱۱۱–۱۲۳.
Tomasula, S. (۲۰۱۱). "Electricians, Wig Makers, and Staging the New Novel." *American Book Review*. Vol. ۳۲. No. ٦. pp. ۵–٦.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

[Downloaded from clrj.modares.ac.ir on 2023-12-03]
[DOR: 20.1001.1.23452366.1401.10.3.4.7]